

فهرست

- فصل اول - بخش اول / گزیده‌ای از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۱
- فصل اول - بخش دوم / نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه «وکالت در محاکم» ۲۳
- فصل اول - بخش سوم / دعاوی مالی و غیر مالی مفهوم و مصادیق آن ۲۸
از قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین ۳۶
- فصل اول - بخش چهارم / نظریات کمیسیون مشورتی آئین دادرسی مدنی دعاوی مالی و غیر مالی «هزینه دادرسی» ۴۱
- فصل دوم / دادخواست فسخ معامله بین تاجر ورشکسته و خریداران ۶۰
نمونه دادخواست فسخ معامله بین تاجر ورشکسته و خریدار به لحاظ ضرر به طلبکاران خودرو / پیکان / پراید / پژو / سمند / زانتیا / و ۶۱
نمونه دادخواست اعلام بطلان معامله بعلت تنظیم مبیعه‌نامه پس از تاریخ توقف تاجر / صلح‌نامه / هبه‌نامه / مبیعه‌نامه / ۶۲
- فصل سوم / نظریات کمیسیون مشورتی حقوق تجارت راجع به: ۶۳
- فصل چهارم / دادخواست مربوط به دعاوی تجاری - شرکت‌ها ۶۸
نمونه دادخواست بطلان معامله "سهام‌الشرکه" در شرکت تضامنی ۶۹
نمونه دادخواست ابطال معامله و سهام‌الشرکه / شرکت بامسئولیت محدود ۷۰
نمونه دادخواست اعلام بی‌اعتباری صورتجلسه و تصمیم مجمع عمومی عادی در خصوص افزایش سرمایه ۷۱
نمونه دادخواست اعلام بی‌اعتباری مصوبه مجمع عمومی سالانه شرکت سهامی عام / خاص / در مورد تصویب ترازنامه ۷۲

- نمونه دادخواست مطالبه دیون شرکت سهامی از مدیران ۷۳
- نمونه دادخواست ابطال معامله بین شرکت و رئیس هیأت مدیره به دلیل عدم تصویب معامله توسط مجمع عمومی عادی ۷۴
- نمونه دادخواست عزل مدیر شرکت سهامی عام / خاص / به لحاظ ورشکسته شدن محجور شدن / سرقت / خیانت در امانت / کلاهبرداری / اختلاس / تدلیس تصرف غیر قانونی در اموال عمومی ۷۵
- نمونه دادخواست انحلال شرکت سهامی به دلیل عدم تشکیل مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی به حساب سال مالی شرکت دادخواست انحلال شرکت سهامی / عام / خاص / به دلیل ۷۷
- زیان‌های وارده و عدم کاهش سرمایه دادخواست انحلال شرکت سهامی عام به دلیل کم بودن سرمایه شرکت از حداقل میزان مقرر در قانون تجارت و عدم افزایش آن ۷۸
- نمونه دادخواست انحلال شرکت سهامی خاص به دلیل کم بودن سرمایه شرکت از حداقل میزان مقرر در قانون تجارت و عدم افزایش آن ۷۹
- ماده ۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: ۸۰
- نمونه دادخواست انحلال شرکت سهامی عام / خاص / به دلیل توقف فعالیت شرکت بیش از یک سال ۸۱
- نمونه دادخواست انحلال شرکت سهامی عام / خاص / به لحاظ عدم اقدام جهت انجام موضوع شرکت تا یک سال پس از به ثبت رسیدن ۸۲
- نمونه دادخواست انحلال شرکت نسبی به لحاظ فوت احد از شرکاء ۸۳
- نمونه دادخواست انحلال شرکت با مسئولیت محدود بدلیل از بین رفتن نصف سرمایه شرکت ۸۴
- نمونه دادخواست انحلال شرکت تضامنی به لحاظ فسخ شرکت از طرف احد از شرکاء ۸۵
- نمونه دادخواست انحلال شرکت مختلط سهامی به لحاظ فوت احد از شرکاء ضامن ۸۶
- نمونه دادخواست انحلال شرکت مختلط غیر سهامی به لحاظ فسخ شرکت توسط احد از شرکاء ضامن ۸۷
- فصل پنجم / دادخواست / درخواست** ۸۸
- نمونه دادخواست و اخواهی از دادگاه صادرکننده حکم بدوی ۸۹
- نمونه دادخواست و اخواهی و اعسار از پرداخت هزینه دادرسی ۹۰
- نمونه دادخواست تجدیدنظرخواهی (بدون دخالت وکیل) ۹۱
- نمونه پیگیری دادخواست تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان ۹۲
- نمونه دادخواست تجدیدنظرخواهی و اعسار از پرداخت هزینه دادرسی در مرحله تجدیدنظر ۹۴
- نمونه دادخواست اعسار از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر / حکم بطلان دعوی ۹۵
- نمونه رأی دادگاه / اعسار در مرحله تجدیدنظرخواهی ۹۶
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید قرار معترض علیه ۹۷
- نمونه دیگر / اعسار از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر ۹۸
- در بیان اقسام مفهوم / اصول فقه ۹۹
- نکات کلیدی / مفاهیم (اصول فقه) ۱۰۲

- نمونه درخواست تجدیدنظر به شعب تشخیص دیوانعالی کشور مطابق تبصره ۲ ذیل ماده ۱۸ قانون اصلاح
موادی از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۰۶
- نمونه دادخواست / درخواست / تجدیدنظر / به شعب تشخیص دیوانعالی کشور و صدور حکم بر اعسار
از پرداخت هزینه دادرسی ۱۰۷
- نمونه درخواست / دادخواست / فرجام‌خواهی نسبت به آراء قطعی یافته دادگاه عمومی ۱۰۸
- نمونه دادخواست / درخواست / فرجام‌خواهی نسبت به آراء قطعی یافته دادگاه عمومی و اعسار از
پرداخت هزینه دادرسی مرحله فرجامی ۱۰۹
- نمونه دادخواست / درخواست / فرجام‌خواهی از آراء قابل فرجام دادگاه تجدیدنظر ۱۱۰
- نمونه دادخواست / درخواست / فرجام‌خواهی از آراء قابل فرجام دادگاه تجدیدنظر و صدور قرار تأخیر در
اجرای حکم ۱۱۱
- فصل ششم / واخواهی در امور مدنی / نمونه فرم درخواست واخواهی ۱۱۲
- نمونه برگ تقاضای واخواهی ۱۱۳
- فصل هفتم / نحوه تجدیدنظرخواهی از احکام محاکم بدوی ۱۱۴
- نمونه دادخواست دعوی اصلی / مطالبه وجه چک از بانک توأم) با خسارت تأخیر در تأدیه و
دادرسی ۱۱۵
- نمونه دادخواست جلب ثالث در مرحله بدوی بخواستہ محکومیت مجلوب به پرداخت وجه یک فقره چک
امانی ۱۱۶
- نتیجه دعوی حقوقی (اصلی - طاری) / صدور حکم محکومیت بانک / مطالبه طلب (وجه چک) ۱۱۷
- نمونه دادخواست تجدیدنظر - از ناحیه وکیل جدید محکوم علیه ۱۲۴
- لایحه تجدیدنظرخواهی وکیل جدید محکوم علیه (بانک) ۱۲۵
- برگ اخطاریه / تبادل لوایح مرحله تجدیدنظر (۱) (۲) ۱۴۰
- مرحله تبادل لوایح / پاسخ وکیل خواهان دعوی اصلی ۱۴۱
- نتیجه / رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی ۱۴۴
- فصل هشتم / دادخواست اعتراض ثالث و اعاده دادرسی ۱۴۶
- نمونه دادخواست اعتراض ثالث نسبت به رأی قطعی دادگاه بدوی و صدور قرار تأخیر اجرای حکم قطعی
یافته ۱۴۷
- نمونه دادخواست اعتراض ثالث به رأی قطعی دادگاه تجدیدنظر استان و صدور قرار تأخیر در اجرای حکم
..... ۱۴۸
- نمونه دادخواست اعاده دادرسی به لحاظ به دست آمدن اسناد جدید ۱۴۹
- نمونه دادخواست اعاده دادرسی (جامع) ۱۵۱

- مستخرج از قانون آیین دادرسی مدنی / ۱۳۷۹ ۱۵۲
- نمونه قرار رد اعاده دادرسی / شورای حل اختلاف ۱۵۵
- فصل نهم / اعاده دادرسی** ۱۵۶
- نمونه حکم دادگاه / تأیید و تنفیذ قرارداد عادی ۱۵۷
- نمونه نظریه کارشناس رسمی منتخب در دعوی کیفری «جعل» ۱۶۰
- نمونه رأی دادگاه / صدور حکم بر برائت متهمان از اتهام جعل ۱۶۱
- نمونه دادخواست اعاده دادرسی بلحاظ اثبات مجعول بودن سند عادی تنفیذ شده ۱۶۲
- فصل دهم / نظریات کمیسیون مشورتی آئین دادرسی مدنی «تجدیدنظر»** ۱۶۳
- علم قاضی در فقه ۱۶۷
- فصل یازدهم / درخواستهای حقوقی - لوایح حقوقی** ۱۶۸
- نمونه رأی دادگاه مبنی بر تملیک مورد مزایده ۱۹۸
- معنی و مفهوم دستور انتقال سند / حکم تملیک ۱۹۹
- فصل دوازدهم / دفتر اول / قرارهای حقوقی** ۲۰۱
- فصل سیزدهم / مدارک لازم جهت ثبت شرکتها قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ با اصلاحات بعدی** ۲۲۶
- مدارک لازم بمنظور ثبت انواع شرکتها مدارک لازم جهت ثبت شرکت سهامی خاص ۲۲۷
- نمونه مدارک لازم جهت ثبت شرکت با مسئولیت محدود ۲۲۹
- نمونه مدارک لازم جهت ثبت شرکت‌های تضامنی ۲۲۹
- نمونه مدارک لازم جهت ثبت شرکت‌های مختلط غیرسهامی ۲۲۹
- نمونه مدارک لازم جهت ثبت شرکت‌های مختلط سهامی ۲۳۰
- نمونه مدارک لازم جهت ثبت شرکت‌های "نسبی" ۲۳۰
- فصل چهاردهم / از قانون ثبت شرکتها «طرح اصلاحی آیین نامه ثبت شرکتها مصوب شهریور ۱۳۴۰»** ۲۳۱
- فصل پانزدهم / «اوراق مربوط به ثبت شرکتها» «اوراق ثبتی»** ۲۳۸
- جدول حق‌التبیت شرکت‌ها براساس سرمایه (مطابق قانون بودجه) ۲۳۹
- نمونه تقاضانامه ثبت مؤسسه (غیرتجاری) ۲۴۰

۲۴۱	نمونه فرم شرکت نامه رسمی (فرم خام).....
۲۴۲	نمونه شرکت نامه رسمی (شرکت با مسئولیت محدود).....
۲۴۴	نمونه تقاضانامه ثبت شرکت داخلی (فرم تکمیل شده).....
۲۴۵	نمونه فرم اظهارنامه ثبت شرکت سهامی (خاص - عام).....
۲۴۶	نمونه اظهارنامه ثبت شرکت سهامی عام.....
۲۴۸	نمونه اظهارنامه ثبت شرکت سهامی خاص.....
۲۵۰	نمونه فرم تقاضانامه ثبت شرکت های داخلی (فرم خام).....
۲۵۱	نمونه اساسنامه مؤسسه غیر تجاری.....
۲۵۴	نمونه فرم اظهارنامه ثبت در دفتر بازرگانی.....
۲۵۶	مدارک موردنیاز برای صدور اظهارنامه ثبت نام در دفاتر بازرگانی در اداره ثبت شرکت ها.....
۲۵۸	نمونه فرم اظهارنامه پلمپ دفاتر تجاری.....
۲۵۹	نمونه گواهی پلمپ دفاتر تجاری.....
۲۶۰	نمونه اظهارنامه ثبت اختراع.....
۲۶۱	نمونه گواهی نامه ثبت اختراع.....
۲۶۲	نمونه اظهارنامه ثبت علائم بازرگانی.....
۲۶۳	نمونه تصدیق ثبت علامت تجاری.....
۲۶۴	نمونه اظهارنامه تمدید مدت علامت تجاری.....
۲۶۵	نمونه گواهی تجدید ثبت علامت تجاری.....
۲۶۶	نمونه حواله دریافت کیوسک مطبوعاتی.....
۲۶۷	نامه پیگیری.....
۲۶۸	نمونه فرم محل استقرار کیوسک جراید.....
۲۶۹	فصل شانزدهم / نمونه اساسنامه شرکت با مسئولیت محدود / تضامنی.....
۲۷۰	نمونه اساسنامه شرکت (با مسئولیت محدود) (نمونه شماره دو).....
۲۷۱	نمونه اساسنامه شرکت..... با مسئولیت محدود.....
۲۷۵	نمونه آگهی تأسیس شرکت با مسئولیت محدود.....
۲۷۶	نمونه اساسنامه شرکت (شرکت تضامنی).....
۲۷۹	قانون استفسار در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان ها، شرکت ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت.....
۲۸۰	فصل هفدهم / گفتار در ورشکستگی.....
۲۸۱	گفتار در ورشکستگی.....
۲۸۷	نمونه رأی دادگاه / صدور حکم ورشکستگی و تعیین تاریخ توقف.....

- فصل هیجدهم / نظریات مشورتی دادگستری «شرکتها» / (الف) ۲۸۸
- فصل نوزدهم / انواع دعاوی حقوقی علیه «شرکت‌ها» ۲۹۱
- مطالبه چک از شرکت (شخصیت حقوقی) / ادعای امانی بودن چک ۲۹۲
- دعاوی متقابل شرکتها / دعوی اصلی / مطالبه طلب (چک) / دعوی تقابل: الزام به ایفای تعهد (فروش و اجراء)، استرداد چک دعوی اصلی، استرداد اموال امانی، مطالبه مابه‌التفاوت احداث ۶۰۰ مترمربع سقف احداثی ۲۹۳
- خلع ید / مطالبه اجرت‌المثل / علیه شرکت ... (حقوقی) ۲۹۵
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه تجدیدنظر خواسته ۲۹۶
- خیانت در امانت / تأیید قرار منع تعقیب / بعلت فقد و صف جزائی ۲۹۷
- مبحث دوم - مجازات‌های اشخاص حقوقی ۲۹۸
- فصل بیستم / نظریات مشورتی / چک / «شرکتها» / (ب) ۲۹۹
- فصل بیست و یکم / الف / برخی دیگر از دعاوی حقوقی علیه تجار (اعسار) ۳۳۰
- نمونه دعوی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر / صدور قرار عدم استماع دعوی بلحاظ تاجر بودن خواهان اعسار ۳۳۱
- معنی و مفهوم اعسار در فقه جزا ۳۳۲
- نمونه دفاعیه خواهان دعوی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر ۳۳۵
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی ۳۳۷
- نمونه رأی دادگاه / صدور قرار عدم استماع دعوی ۳۳۸
- فصل بیست و یکم / ب / بررسی یک نمونه از احکام محاکم عمومی از لحاظ قواعد نگارش احکام ۳۳۹
- فصل بیست و دوم / قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ ۳۴۴
- فصل بیست و سوم / آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۸/۲/۲۶ / ۷۷/۸/۱۰ مصوب ۳۴۸
- فصل بیست و چهارم / درخواست‌های حقوقی و اجرای احکام ۳۵۴
- فصل بیست و پنجم / نحوه اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ۳۶۴

- ۳۶۵ نمونه تصمیم دادگاه / اعمال ماده ۲.....
- ۳۶۶ نمونه برگ جلب در امور حقوقی
- ۳۶۷ نمونه نامه معرفی محکوم علیه مجلوب به زندان.....
- ۳۶۸ فصل بیست و ششم / اجرای احکام مدنی «نیم عشر دولتی».....
- فصل بیست و هفتم / اجرای احکام مدنی / انواع آگهی مزایده فروش / اموال منقول / غیرمنقول
- ۳۷۱ نمونه آگهی مزایده فروش (اموال غیرمنقول): ۴۲/۷۱ سهم از صد سهم ششدانگ یک دستگاه آپارتمان
- ۳۸۵ "آگهی مزایده اموال غیرمنقول".....
- نمونه آگهی مزایده فروش (اموال غیرمنقول) نوبت اول / دستور ضبط وثیقه / یک باب ساختمان مسکونی / (دارای سند مالکیت).....
- ۳۸۸ نمونه آگهی مزایده فروش (اموال غیرمنقول) نوبت دوم / یک باب مغازه (قولنامه‌ای) فاقد سابقه ثبتی.....
- ۳۸۹ نمونه آگهی مزایده فروش در اموال غیرمنقول یک قطعه باغ انگور و زمین گندم.....
- ۳۹۰ نمونه آگهی مزایده فروش (اموال غیرمنقول) دستور ضبط وثیقه یک باب ساختمان دارای سند مالکیت.....
- ۳۹۲ نمونه آگهی مزایده فروش (اموال منقول).....
- ۳۹۳ نمونه آگهی مزایده فروش اموال منقول.....
- ۳۹۴ نمونه آگهی مزایده اموال غیرمنقول فاقد سابقه ثبتی (مرحله اول).....
- ۳۹۵ نمونه آگهی مزایده اموال غیرمنقول (مرحله اول).....
- ۳۹۶ نمونه آگهی مزایده اموال غیرمنقول (مرحله دوم).....
- ۳۹۷ نمونه آگهی مزایده فروش اموال غیرمنقول (مرحله اول).....
- ۳۹۸ فصل بیست و هشتم / بیمه شخص ثالث.....
- ۴۰۰ نمونه رسید پرداخت دیه توسط بیمه شخص ثالث.....
- ۴۰۱ نمونه حواله پرداخت دیه توسط بیمه شخص ثالث.....
- ۴۰۲ فصل بیست و نهم / نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه «اجرای احکام مدنی».....
- ۴۰۳ فصل سی ام / حرف (ت).....
- ۴۱۶

avabook.com

فصل اول - بخش اول

گزیده‌ای از اصول
قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

چو ایران نباشد تن من مباد

بگوئید این جمله در گوش باد

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اصل اول

حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت‌الله العظمی امام خمینی، در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی‌الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.

اصل دوم

جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱- خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر

او.

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

۴- عدل خدا در خلقت و تشریح.

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، که از راه:

الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام‌الله

علیهم اجمعین،

ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها،

ج - نفی هرگونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری،

قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را

تأمین می‌کند.

اصل پنجم^(۱)

در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

اصل هفتم

طبق دستور قرآن کریم: «وامرهم شوری بینهم^(۲)» و «شاورهم فی الامر^(۳)» شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

اصل بیست و پنجم

بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل سی و دوم

هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد، متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

۱. اصولی که در مقابل آنها علامت * قرار دارد، در بازنگری مصوب ۱۳۶۸ تغییر یافته است.

۲ و کارشان بر پایه مشورت با یکدیگر است. [سوره شوری، آیه ۳۸]

۳. در کار با آنان مشورت کن. [سوره آل عمران، آیه ۱۵۹]

اصل سی و سوم

هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

اصل سی و چهارم

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

اصل سی و پنجم

در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

اصل سی و ششم

حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل سی و هفتم

اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل سی و هشتم

هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل سی و نهم

هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

اصل چهارم

هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

اصل چهارم و نهم

دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه کاریها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دائر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.

اصل شصت و یکم

اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی پردازد.

اصل نودم

هرکسی شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

اصل یکصد و چهارم*

رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می‌شود.

اصل یکصد و چهل و دوم*

دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد.

اصل یکصد و پنجاه و ششم

قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقیق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعديات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبيه، که قانون معین می‌کند.

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای شرع

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین

۴- کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون

جزائی اسلام

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین

اصل یکصد و پنجاه و هفتم*

به منظور انجام مسؤولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضائی و اداری و اجرائی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالیترین مقام قوه قضائیه است.

اصل یکصد و پنجاه و هشتم*

وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسؤولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و

ششم.

۲- تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی.

۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین

مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

اصل یکصد و پنجاه و نهم

مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

اصل یکصد و شصتم*

وزیر دادگستری مسؤولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد.

رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالیترین مقام اجرائی پیش بینی می‌شود.

اصل یکصد و شصت و یکم*

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی و انجام مسؤولیتهایی که طبق قانون به آن محول می‌شود براساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.

اصل یکصد و شصت و دوم*

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند.

اصل یکصد و شصت و سوم

صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود.

اصل یکصد و شصت و چهارم*

قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل، نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

اصل یکصد و شصت و پنجم

محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن‌که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

اصل یکصد و شصت و ششم

احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است.

اصل یکصد و شصت و هفتم

قاضی موظف است کوشش کند. حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

اصل یکصد و شصت و هشتم

رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.

اصل یکصد و شصت و نهم

هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود.

اصل یکصد و هفتادم

قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب نامه‌ها و آئین نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هرکس می تواند ابطال اینگونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

اصل یکصد و هفتاد و یکم

هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد.

اصل یکصد و هفتاد و دوم

برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می شود.

دادستانی و دادگاههای نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

اصل یکصد و هفتاد و سوم*

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها با آئین نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می گردد.

حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می کند.

اصل يكصد و هفتاد و چهارم*

براساس حق نظارت قوه قضائيه نسبت به حسن جريان امور اجراي صحيح قوانين در دستگاههاي اداري سازماني به نام «سازمان بازرسي كل كشور» زير نظر رئيس قوه قضائيه تشكيل مي‌گردد.

حدود اختيارات و وظائف اين سازمان را قانون تعيين مي‌كند.

اصولي از قانون اساسي مصوب ۱۳۵۸
كه در بازنگري مصوب ۱۳۶۸ تغيير يافته است.

اصل پنجم

در زمان غيبت حضرت ولي عصر «عجل الله تعالي فرجه» در جمهوري اسلامي ايران ولايت امر و امامت امت بر عهده فقيه عادل و با تقوي، آگاه به زمان، شجاع، مدير و مدبر است كه اكثريت مردم او را به رهبري شناخته و پذيرفته باشند و در صورتی كه هيچ فقيهي داراي چنین اكثريتي نباشد رهبر يا شوراي رهبري مركب از فقهاي واجد شرايط بالا طبق اصل يكصد و هفتم عهده‌دار آن مي‌گردد.

اصل پنجاه و هفتم

قواي حاكم در جمهوري اسلامي ايران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجريه و قوه قضائيه كه زير نظر ولايت امر و امامت امت، بر طبق اصول آينده اين قانون اعمال مي‌گردند. اين قوا مستقل از يكديگرند و ارتباط ميان آنها به وسيله رئيس جمهور برقرار مي‌گردد.

اصل يكصد و پنجاه و هفتم

به منظور انجام مسؤوليت‌هاي قوه قضائيه شورائي به نام شوراي عالي قضائي تشكيل مي‌گردد كه بالاترين مقام قوه قضائيه است و وظائف آن به شرح زير مي‌باشد:

۱- ايجاد تشكيلات لازم در دادگستري به تناسب مسؤوليت‌هاي اصل يكصد و پنجاه و ششم.

۲- تهيه لوايح قضائي متناسب با جمهوري اسلامي.

۳- استخدام قضات عادل و شايسته و عزل و نصب آنها و تغيير محل مأموريت و تعيين

مشاغل و ترفيع آنان و مانند اينها از امور اداري، طبق قانون.

اصل یکصد و پنجاه و هشتم

شورای عالی قضایی از پنج عضو تشکیل می‌شود:

- ۱- رئیس دیوان عالی کشور.
 - ۲- دادستان کل کشور.
 - ۳- سه نفر قاضی مجتهد و عادل به انتخاب قضات کشور.
- اعضای این شورا به مدت پنج سال و طبق قانون انتخاب می‌شوند و انتخاب مجددشان بلامانع است.
- شرایط انتخاب شونده و انتخاب کننده را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و شصتم

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که شورای عالی قضایی به نخست‌وزیر پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد.

اصل یکصد و شصت و یکم

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی و انجام مسئولیتهایی که طبق قانون به آن محول می‌شود براساس ضوابطی که شورای عالی قضائی تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.

اصل یکصد و شصت و دوم

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی باشند و رهبری با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند.

اصل یکصد و شصت و چهارم

قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصویب اعضای شورای عالی قضائی

به اتفاق آراء. نقل و انتقال دوره‌ای قضاات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

اصل یکصد و هفتاد و سوم

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها با آئین نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر شورای عالی قضائی تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.

اصل یکصد و هفتاد و چهارم

بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجراء صحیح قوانین در دستگاههای اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر شورای عالی قضائی تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.

نظریه مشورتی شماره ۷/۴۱۵۰ تاریخ ۱۳۷۳/۶/۲۱

هیچیک از مقامات دولتی نمی‌توانند افراد ملت ایران را از حقوقی که قانون اساسی به آنها داده است محروم کنند.

مستخرج از قانون مدنی

ماده ۹۵۸: هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود، لیکن هیچکس نمی‌تواند حقوق خود را اجراء کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد.

ماده ۹۵۹: هیچکس نمی‌تواند بطور کلی حق تمتع و یا حق اجرای تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.

ماده ۹۶۰: هیچکس نمی‌تواند از خود سلب حریت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرفنظر کند.

فصل اول - بخش دوم

نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه «وکالت در محاکم»^(۱)

نظریه مشورتی شماره ۷/۵۵۰۶ مورخ ۷۰/۱۲/۲۶

منظور از کلمه وکیل در مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام وکیلی است که واجد شرایط مذکور در ماده ۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین باشد و اصولاً این کلمه در عرف قضایی و حقوقی منصرف به وکلای مجاز یا به تعبیری دیگر وکلای دادگستری است و عدم قید دادگستری تأثیری در این امر ندارد کما اینکه در مواد ۳۱۳ و ۳۱۴ و تبصره آن، ۳۱۵، ۳۲۶، ۳۳۰ و ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۳، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۲۳ و ۲۵ مقررات تشکیل محاکم جنایی و مواد قانون آیین دادرسی مدنی نیز همه جا کلمه وکیل به صورت مطلق و بدون قید دادگستری ذکر شده است. مصوبه مجمع برای حفظ حرمت وکلاء در دادگستری و لزوم نقض آرای است که با سلب حق تعیین وکیل از اشخاص و یا عدم اجازه دخالت وکلاء آنان صادر شده است و همچنین تجویز دخالت وکیل با شرایط خاص در دادگاه ویژه روحانیت است نه برای تعمیم اجازه وکالت دادگستری به هر فرد بی اطلاع، نالایق و فاسدالعقیده ... و مذاکرات مجلس که اظهارات بعضی از وکلاء است فقط در حد اظهار نظر اظهارکننده یا عقیده شخصی که آن را عنوان کرده است می باشد. اما عنوان تفسیر قانون و یا تبیین آن را ندارد و قانوناً قابل استناد نیست. بنابراین با تصویب مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام مقررات و شرایط وکالت در دعاوی نسخ نشده و مقررات و شرایط مربوط به وکالت در دعاوی به قوت خود باقی است.

۱. مجموعه کامل نظریات مشورتی پیرامون «امر وکالت» را در جلد پنجم مجموعه ۵ جلدی راهنمای جامع نگارش تألیف نگارنده بخوانید.

رای وحدت رویه شماره ۷۱۴ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۱

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

طبق اصل سی و چهارم قانون اساسی: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید... و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد» انتخاب وکیل هم بنا به حکم مقرر در اصل سی و پنجم قانون اساسی از حقوق اصحاب دعواست و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز با تأکید بر حق متداعیین در انتخاب وکیل، در ماده ۲ مقرر داشته: «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند» و در ماده ۳۹ تصریح کرده: «در صورتی که وکیل استعفای خود را به دادگاه اطلاع دهد، دادگاه به موکل اخطار می‌کند که شخصاً یا توسط وکیل جدید، دادرسی را تعقیب نماید...» همچنین قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ در فصل هشتم در قسمت اخیر ماده ۳۴ یادآور شده که اجرای مقررات این فصل نباید حق تظلم و مراجعه مستقیم و بدون مانع اشخاص به دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور را از آنان سلب نماید، بنابراین به نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور برای اقامه دعوی حقوقی، شکایت از آراء و دفاع از آنها دخالت وکیل قانوناً الزامی نیست و دادنامه شماره ۱۲۲۰ - ۱۳۸۵/۸/۲۷ شعبه پانزدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر مطابقت دارد نتیجتاً صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌گردد.

این رای طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه شماره ۷/۷۹۲ به تاریخ ۱۳۷۶/۶/۲۵

پذیرش وکیل غیروکیل دادگستری در دادگاههای تعزیرات فاقد اشکال قانونی است

نظریه مشورتی شماره ۷/۴۲۴۲ به تاریخ ۱۳۶۱/۸/۱۳

اقدامات وکیل پس از فوت موکل نافذ نیست و فضولی شناخته می‌شود.

(ر.ک): ماده ۶۷۸ قانون مدنی

نظریه مشورتی شماره ۷/۲۳۲۵ به تاریخ ۱۳۸۲/۳/۲۲

مطابق ماده ۲ قانون اجرای احکام مدنی صدور اجرائیه موکول است به تقاضای محکوم له یا نماینده و قائم مقام قانونی وی و نماینده شخصی است که مطابق درخواست محکوم له و به نیابت از وی می تواند صدور اجرائیه را درخواست نماید. بنابراین نماینده مذکور در ماده ۲ قانون مرقوم می تواند غیر وکیل دادگستری باشد.

نظریه شماره ۷/۹۹۷ به تاریخ ۱۳۷۷/۲/۹

۱- چنانچه وکالتنامه ای مستند به وکالتنامه بلاعزل با حق توکیل به غیر باشد، موجبی برای فسخ و ابطال آن جز صدور حکم قضایی وجود ندارد.
 ۲- چنانچه عزل وکیل مقید به زمان شود و این قید زمان ضمن عقد خارج لازم صورت گرفته و در وکالتنامه قید گردد، قبل از موعد عزل وکیل معتبر نیست.

نظریه شماره ۷/۵۷۲۷ به تاریخ ۱۳۷۷/۹/۱۱

وجود حق توکیل در وکالتنامه و انتقال کلیه اختیارات مندرج در وکالتنامه به شخص ثالث هر چند جمله، ولو کراراً ذکر نشده باشد سلب اختیار حق توکیل از شخص ثالث نمی کند.

(ر.ک. ماده ۶۷۳ قانون مدنی)

اگر وکیل که وکالت در توکیل نداشته انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالثی واگذار کند هر یک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مُسبب محسوب می شود مسئول خواهد بود.

نکته (۱): وکالت در دیوان عدالت اداری مستلزم داشتن وکالت پایه یک دادگستری می باشد.

نکته (۲): اگر وکیل قبل از گفتن ایجاب و پیش از قبول طرف دیگر فوت شود قبول پیشنهاد او هیچ اثری ندارد.

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸۶۹ به تاریخ ۱۳۷۹/۱/۱۴

با توجه به اینکه وکالت در دادگستری مستلزم داشتن پروانه وکالت است و غیر از وکلای دادگستری نمی‌توانند در مراجع قضایی وکالت کنند در صورتی که غیروکیل دادگستری دارای حق توکیل به غیر باشد، تفویض وکالت برای دادرسی بلامانع است و دادگاهها مکلف به پذیرش هستند.

نظریه شماره ۷/۵۰۸۰ به تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۴

باید بین امور مدنی و کیفری و مراحل مختلف رسیدگی کیفری فرق گذاشت به این طریق که در امور مدنی و همچنین در امور کیفری پس از پایان تحقیقات مقدماتی و تعیین وقت، وکیل اصحاب دعوا می‌تواند به پرونده مراجعه و آن را مطالعه و خود را آماده برای دفاع نماید و مدیر دفتر باید پرونده را در اختیار او بگذارد و نیازی به کسب اجازه از دادگاه ندارد. اما در مرحله تحقیقات با توجه به ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ و تبع آن کسب اجازه از دادگاه لازم است.

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه شماره ۷/۶۴۴۴ به تاریخ ۱۳۷۵/۱۰/۸

برابر بند ۳ ماده ۶۷۸ قانون مدنی عقد وکالت به موت یا جنون وکیل یا موکل مرتفع می‌شود و از این جهت فرقی بین وکالت مطلق و بلاعزل نیست. بنابراین اگر عقد وکالت در ضمن عقد لازمی مانند عقد نکاح به صورت شرط درآید بقاء آن تا وقتی است که ماهیت وکالت بعلت جنون یا فوت احدی از طرفین عقد منتفی نشده باشد و با انتفاء آن موردی برای استفاده باقی نمی‌ماند.

نظریه شماره ۷/۹۱۰ به تاریخ ۱۳۷۷/۲/۳

وکالت در دادگستری مختص وکلای دادگستری می‌باشد که دارای پروانه وکالت از قانون وکلا می‌باشند و وکالت تفویضی در محاضر اسناد رسمی به غیر وکیل دادگستری از جهت وکالت در دعای مطروحه در دادگستری فاقد ارزش می‌باشد مگر در مواردی که قانوناً نیاز به دخالت وکیل دادگستری نباشد و هر وکیلی حق مداخله داشته باشد از قبیل امور حسبی

نظریه مشورتی شماره ۷/۵۳۲۵ به تاریخ ۱۳۸۳/۷/۲۰

الزام خوانده به تنظیم وکالتنامه رسمی، دعوی غیرمالی است
(رجوع کنید به ماده ۵۰۳ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹)
تذکر:
موکل در هر حال می‌تواند مورد وکالتی را که به دیگری وکالت داده است شخصاً نیز انجام دهد.

فصل اول - بخش سوم

دعاوی مالی و غیر مالی مفهوم و مصادیق آن

ماده (۱) قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹

آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاههای عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند به کار می‌رود.

نکته: نگارش ما نسبت به قانون نباید نگارش تبعیدی باشد، قانونمندی و اطاعت از آن الزامی است لکن تلاش برای اصلاح آن یک واجب است.

دعاوی مالی و غیر مالی مفهوم و مصادیق آن

در تشخیص خواسته مالی و غیر مالی هیچ ملاک و ضابطه‌ای از طرف مقنن تعریف نشده و مصادیق آن نیز بصورت حصری بیان نگردیده به همین جهت در تشخیص دعوی مالی از دعوی غیر مالی اختلافات بسیاری وجود داشته و دارد.

در تشخیص دعوی مالی و غیر مالی اگر خواسته ذاتاً و مستقیماً، قابلیت ارزیابی و تقویم داشته باشد آن را در اصطلاح خواسته مالی گویند همانند مطالبه طلب، وجه چک، سفته، برات، حواله و امثالهم.

اگر خواسته دعوی ذاتاً مالی نبوده و قابلیت تقویم به پول رایج را نداشته باشد آن را در اصطلاح خواسته غیر مالی گویند.

توجه می‌دهد: اصل بر غیر مالی بودن دعاوی قرار گرفته و مالی بودن دعوی نیازمند به دلیل و نص است فلذا اگر شک و تردید نمودیم عدم جاری^(۱) و دعوی را غیر مالی محسوب می‌نماییم.

چراکه مالی دانستن دعاوی نوعی رنج و مشقت و سختی، برای مردم محسوب می‌گردد در برخی کشورهای پیشرفته و ممالک متمدنی و توسعه یافته عمدتاً اصل بر غیر مالی بودن دعاوی قرار گرفته و دعاوی مالی نیز احصاء شده‌اند.

مصادیق دعاوی مالی:

خواسته مالی که تعیین بهای آن در هنگام تقدیم دادخواست مقدور است و نتیجه آن برای خواهان دارای آثار مالی است فلذا خواهان مکلف است خواسته خود را تقویم نماید و در غیر این صورت به موجب ضمانت اجرای ماده ۵۴ قانون آئین دادرسی مدنی ناظر بر بند (۳) از بنود حصری ماده ۵۱ قانون آ.د.م.، ۱۳۷۹ قرار رد دادخواست خواهان از طرف مدیر دفتر دادگاه صادر خواهد شد.

۱. اصل «عدم» را در جلد دوم (جزایی) از مجموعه ۵ جلدی راهنمای جامع نگارش تألیف نگارنده بخوانید.

۱- دعوی مالی:

۱- دعوی مطالبه طلب (وجه نقد) ۲- مطالبه ثمن معامله ۳- مطالبه وجه التزام ۴- مطالبه وجه چک ۵- مطالبه وجه سفته ۶- مطالبه وجه برات ۷- مطالبه اجور معوقه ۸- مطالبه کلیه اشیایی که دارای بهای معینی است ۹- مطالبه خسارات ناشی از ضمان قهری ۱۰- مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم ۱۱- مطالبه دیه علیه وراث قاتل ۱۲- مطالبه خسارت تأخیر در تأدیه ۱۳- مطالبه خسارات ناشی از نشت چاه و ترکیدن لوله آب و فاضلاب ۱۴- مطالبه نفقه معوقه ۱۵- مطالبه مهر ۱۶- مطالبه سهم الارث علیه احد از وراث یا شخص ثالثی که مال مشخصی از ترکه نزد اوست ۱۷- دعاوی مربوط به حق تالیف، تصنیف، حق اختراع ۱۸- دعاوی مربوط به علائم صنعتی و تجاری ۱۹- کلیه موارد مذکور در ماده ۲۷۷ قانون آئین دادرسی مدنی، فرض، ثمن، مال الاجاره، دیه جنایات، نفقه یومیه، ضمان به تلف یا اتلاف همچنین دعاوی که مقصود از آن مال است از قبیل بیع (اموال منقول، غیرمنقول)، صلح، اجاره، هبه، وصیت به نفع مدعی، جنایت خطائی و شبه عمد موجب دیه.

۲- خواسته مالی که تعیین (دقیق) آن هنگام تقدیم دادخواست ممکن نیست و می توان بنحو علی الحساب تقویم و جلب نظر کارشناسان رسمی را طلب نمود:

۱- مطالبه ارث ۲- مطالبه اجرت المثل ۳- مطالبه غرامات ناشی از مستحق لغیر درآمدن

مبیع و...

۳- خواسته مالی که ظهور در غیر مالی بودن دارد:

- ۱- الزام به تنظیم سند رسمی انتقال زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / ...
- ۲- درخواست تعدیل و افزایش اجاره بها (نظریه مشورتی اداره حقوقی $\frac{۷/۹۸۴}{۱۳۶۱/۳/۲}$)
- ۳- خلع ید (نظریه مشورتی اداره حقوقی $\frac{۷/۲۰۲۱}{۱۳۶۲/۵/۸}$)
- ۴- دعوی اعتراض به تعیین حد و مرز (نظریه مشورتی اداره حقوقی $\frac{۷/۵۱۱۴}{۱۳۶۰/۱۱/۲۴}$)
- ۵- دعوی اعتراض به ثبت ملک
- ۶- الزام به تنظیم سند خودرو
- ۷- دعوی افراز، تقسیم و فروش اموال مشاع در صورت اختلاف در مالکیت
- ۸- استرداد لاشه چک / سفته / برات